

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
			تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

## درس سکوت نکردن در مقابل باطل

نهضت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام حرکتی بود در جهت امر به معروف و نهی از منکر، در جهت ایجاد اصلاح، در جهت مبارزه با فساد در داخل حکومت اسلامی. امام حسین علیه السلام با حکومت‌های بیرون از قلمروی اسلامی ننگیدند، در داخل حکومت اسلامی با کسانی که به ناحق بر مسند حکومت دست انداخته بودند؛ اموال بیت المال را غارت می‌کردند؛ محرومان را می‌چاپیدند و زیر پا لگد می‌کردند؛ فامیل بازی می‌کردند؛ حکومت را موروثی کرده بودند؛ در حکومت، هزار فامیلی حاکم کرده بودند؛ با ارزش‌های دینی مبارزه می‌کردند؛ بویی از معنویت و تقوا، بویی از عفاف و پاکدامنی در شیوه‌های حکومتی‌شان استشمام نمی‌شد، امام حسین علیه السلام به مبارزه با این حکومت رفت، حکومت داخل جامعه‌ی اسلامی. امام حسین علیه السلام در جنگ با کفار کشته نشد. آن حضرت برای استقرار عدالت، استقرار ارزش‌های دینی، استقرار شاخص‌های معنوی در داخل جامعه‌ی اسلامی حرکت کرد. امر به معروف و نهی از منکر امام حسین علیه السلام این است.

امام حسین علیه السلام همان‌طور که در زیارت وارث می‌خوانیم، وارث همه‌ی انبیاء در طول تاریخ است از آدم تا خاتم؛ همان‌طور که دشمنان امام حسین علیه السلام وارث همه‌ی اشقیاء در تاریخند. زیارت ناحیه‌ی مقدّسه هم، فرازهای نخستینش با سلام‌هایی که به انبیاء داده می‌شود نشان می‌دهد که امام حسین علیه السلام ادامه دهنده‌ی راه آنهاست؛ ولی در زیارت وارث صریح‌تر است. «**كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورًا وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءَ**» دوستان و شیعیان امام حسین علیه السلام در هر عصری، در هر عرصه‌ای وارثان یاران اباعبدالله علیه السلام هستند و باید در راهی که یاران امام حسین علیه السلام جان بر کف نهادند، در آن راه قدم بگذارند؛

درحالی که جان بر کف نهاده باشند و آماده‌ی جانبازی باشند. راه امام حسین علیه السلام را باید دنبال کرد و ادامه داد. مشکل شخص یزید نبود که با به درک واصل شدن یزید مشکل حل شده باشد. مشکل خاندان بنی‌امیه نبودند که با انقراض این خاندان و روی کارآمدن بنی‌مروان و بعد از بنی‌مروان بنی‌عبّاس و امثال اینها مشکل حل شده باشد. هر کسی با هر نامی، با هر عنوانی، می‌خواهد بنی‌مروان باشد؛ می‌خواهد بنی‌عبّاس باشد؛ می‌خواهد هر نام و عنوان دیگری داشته باشد؛ اگر رسم و آیین بنی‌امیه و یزید را دنبال کند، دوستان اباعبدالله‌الحسین علیه السلام در تاریخ باید نقش یاران اباعبدالله علیه السلام را در مبارزه‌ی با این جریان‌ها ایفا کنند؛ با شهامت تمام، با شجاعت تمام، با آن عشق و اخلاص عارفانه؛ البته شکل مبارزه در هر زمانی می‌تواند فرق کند. کما اینکه بعد از واقعه‌ی عاشورا دوستان واقعی اهل بیت علیهم السلام دست از مبارزه نکشیدند؛ اما با خط مشی‌هایی که ائمه علیهم السلام می‌دادند؛ با هدایت‌هایی که می‌کردند، شکل مبارزه فرق داشت؛ هر روزی به یک شکل؛ اما سکوت، بزدلی، ترک کردن صحنه‌ی مصاف، به بهانه‌ی اینکه اگر صدایمان دربیاد برایمان خطر دارد؛ منافعمان مورد تهدید قرار می‌گیرد؛ با آبرو، آزادی و جانمان بازی می‌شود و نفس را در سینه حبس کردن، شیوه‌ی یار اباعبدالله علیه السلام نیست. دعوا بر سر اسم نیست که با تغییر نام مشکل حل شود؛ این جناح برود، جناح دیگری بیاد بگوییم الحمدلله آن جناح رفت. جناح بنی‌امیه برود، جناح بنی‌مروان بیاید؛ جناح بنی‌مروان برود، جناح بنی‌عبّاس بیاید بگوییم مشکل حل شد آن جناح رفت. مشکل جناح نیست؛ مشکل اسم نیست، مشکل روش است؛ مشکل رسم است؛ هر کس با هر اسمی، با هر لباسی، با هر قیافه‌ای آن آیین و رسم و روش ستمگرانه، ظالمانه، چپاولگرانه، آن فسادهای داخل حکومت اموی را تکرار کند، او هم مصداقی است برای همان چیزی که امام حسین علیه السلام و یارانش با آن مبارزه کردند و لذا امروز باید شاخصه‌های حکومت یزیدی و حکومت اموی را بشناسیم ببینیم شاخصه‌های حکومت یزیدی که امام حسین علیه السلام با آن جنگیدند، چه بود. امام حسین علیه السلام فرمودند: «أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَسِيرَ بِسِيرَةٍ

جَدَى وَ أَبِي»<sup>۱</sup> فرمودند: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يُتَنَاهَى عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»<sup>۲</sup> باید بینیم فسادهایی که امام حسین علیه السلام با آن جنگیدند چه بود و اگر امروز در جامعه‌ی ما نیز آن فسادها وجود دارد، با کسانی که مروج، سردمدار و پیاده‌کننده‌ی آنها هستند، ما هم رسالت مبارزه داریم. دوست امام حسین علیه السلام بودن فقط به گریستن نیست. قبلاً اشاره کرده‌ام گریه ظهور عشق است و عشق نیروی حرکت است؛ باید حرکت ایجاد شود. لذا اگر در جامعه‌ی اسلامی ما هم کسانی در حاکمیت نفوذ کرده باشند که فسادهای یزیدی و اموی را داشته باشند، دوستان حقیقی اهل بیت علیهم السلام باید با آنها مبارزه کنند و نگذارند آن فاجعه‌ای که در صدر اسلام اتفاق افتاد، تکرار شود.

ماجرای امام حسین علیه السلام یک حادثه‌ی محدود در یک تاریخ مشخصی که پرونده‌اش بسته شده باشد، نیست. همین زیارت عاشورا را که خدا توفیق می‌دهد هر جلسه در آغاز جلسه می‌خوانید و امام حسین علیه السلام را با این زیارت، زیارت می‌کنید، به فرازهایش فکر کنید. ببینید ماجرا، ماجرای یک حادثه‌ی مشخص تاریخی در یک مقطع زمانی نیست. بحث یک جریان است شما می‌گویید: «بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ» می‌گویید پیش خدا و پیش شما شهدای کربلا، پیش شما اهل بیت عصمت و طهارت از کسانی که از سقیفه تا عاشورا مرتکب این جنایت‌ها شده‌اند براءت می‌جویم: «بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ» در ادامه چه می‌گویید؟ «وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ»<sup>۳</sup> و براءت می‌جویم از پیروان و دوستان و تابعان آنها تا پایان تاریخ. آنها چه کسانی هستند؟ یا می‌گویید: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلَّمْتُ لِمَنْ سَأَلْتُمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» ای اباعبدالله! من با کسانی که با تو در صلح و صفا بودند و هستند و خواهند بود، در صلح و صفایم و با تمام کسانی که با تو در جنگ و کارزارند، تا روز قیامت با

۱. مجلسی، بحار، ج ۴۴، ص ۳۲۹ و حسینی موسوی، تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۱۶۰ و بحرانی، عوالم العلوم، ج ۱۷، ص ۱۷۹.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۴۵ و ابن حیون، شرح الاخبار، ج ۳، ص ۱۵۰ و با اندکی اختلاف مجلسی، بحار، ج ۷۵، ص ۱۱۶.

۳. مجلسی، بحار، ج ۹۸، ص ۲۹۴ و محدث قمی، مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

همه‌ی آنها در جنگ و مبارزه‌ام. این جمله فقط برای خواندن و گریستن نیست، یک تضمین است؛ یک تعهد است؛ به اباعبدالله علیه السلام قول می‌دهیم که تا روز قیامت با کسانی که آن مسیر انحرافی را می‌روند، می‌جنگیم. ماجرای اباعبدالله علیه السلام، ماجرای تمام شده نیست. همچنین در زیارت عاشورا در مقام دعا می‌گوییم: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ» از آن خدایی که معرفت شما و دوستان شما را نصیب من کرد و بدین وسیله مرا گرامی داشت و کرامت بخشید و برائت، بیزاری و تنفر از دشمنان شما را روزی من کرد، درخواست می‌کنم، چه چیزی را درخواست می‌کنی؟ «أَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» که من را در دنیا و آخرت با شما قرار دهد. با امام حسین علیه السلام باید بود نه اینکه فقط بر امام حسین علیه السلام گریست. با امام حسین علیه السلام باید بود قدم به قدم؛ همراه امام حسین علیه السلام باید زندگی کرد؛ پشت سر امام حسین علیه السلام باید قدم برداشت؛ راه امام حسین علیه السلام را باید ادامه داد. راه امام حسین علیه السلام راه بزدلی نیست؛ راه عافیت طلبی نیست؛ راه شهادت است؛ راه جانبازی است؛ راه ایثار است. راه نفس‌ها را در سینه حبس کردن از ترس نیست؛ راه پرخاش است؛ راه فریاد است؛ راه مبارزه است. «أَنْ يَجْعَلَ لِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» و از خدا می‌خواهم که قدم صدق ثابتی در مسیر و راه شما در دنیا و آخرت به من عنایت کند. ثابت قدم بودن، صادقانه راه حسین علیه السلام را دنبال کردن. امیدواریم خدای متعال به برکت خون به ناحق ریخته‌ی اباعبدالله‌الحسین علیه السلام و اصحاب و اهل بیت کرامش توفیق درک هدف و معنای نهضت حسین علیه السلام و پیمودن راه در مسیر اباعبدالله علیه السلام را به همه‌ی دوستان اهل بیت علیه السلام عنایت بفرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ